فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc89502915)

[فهرست پیشنهادی برای کتاب النکاح 2](#_Toc89502916)

[مقدمه؛ معنا و حکمت نکاح 2](#_Toc89502917)

[فصل اول؛ اختیار زوجین 2](#_Toc89502918)

[فصل دوم؛ خواستگاری 3](#_Toc89502919)

[فصل سوم؛ احکام عقد 3](#_Toc89502920)

[فصل چهارم؛ احکام العرس 3](#_Toc89502921)

[فصل پنجم؛ الحقوق الزوجیه 3](#_Toc89502922)

[موسوعة الاحکام الاولاد 3](#_Toc89502923)

[سیره ائمه علیهم‌السلام در تربیت 5](#_Toc89502924)

[بررسی سند رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام 6](#_Toc89502925)

[قاعده وقایی 7](#_Toc89502926)

[نتیجه یک روایت 8](#_Toc89502927)

[پاسخ به سؤالات 9](#_Toc89502928)

بسم الله الرحمن الرحیم

**الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین و العن الدائم علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین**.

# پیشگفتار

نکاتی که فرستادند نکات خوبی هست ما یک قضاوت کلی لایتخلف نمی‌خواهیم بکنیم که مدارس مجبور بشوند از تربیت پا پس بکشند و خانم‌ها محدود بشوند و امثال این‌ها.

محدوده سنی هم نکته درستی بود و نکته دیگری که عزیزان در مورد سؤال ما فرستادند این بود که قطعاً منظور ما این نیست که همه خانواده‌ها تعاملاتشان با دیگر نهاد‌ها یک حکم دارد اگر خانواده‌ای رسیدگی به تربیت دینی فرزند نمی‌کند معنایش این نیست که هیچ کس دیگر حق ندارد وارد این حریم بشود. تعامل باید جور دیگری ترسیم بشود که وارد بحث آن خواهیم شد.

در فقه آن انعطاف و آن سازگاری را با این شرایط تعریف کرده است و در تمام این شرایط و فرض‌هایی که فرستادید ما راهکار داریم.

نکته دیگر که عزیزان در مورد تقسیم‌بندی مباحث فقهی فرستادند؛ شهید صدر تقسیم‌بندی جدیدتر و زیباتر مطرح شده است البته می‌دانید ایشان در مورد کتاب‌های فتوایی فقهی این کار را عملی کردند و این پیشنهاد ایشان در کتاب‌های استدلالی فقهی ایجاد نشده است.

فهرست مباحث فقهی ما آنجایی که بخواهد جواب این سؤال را بدهد، در احکام اولاد کتاب النکاح هست اما واقعیت این است که کتاب النکاح که خانوادگی‌ترین باب فقه ما هست احکام اولاد بخش کوچکی از آن را پوشش داده است و جواب آن سؤال را....

وارد بیان تفصیلی احکام اولاد بشویم و ببینیم احکام الاولاد یعنی جواب به این سؤالات یا سؤالات دیگر.

# فهرست پیشنهادی برای کتاب النکاح

فهرستی که می‌شود پیشنهاد داد برای کتاب النکاح که از این نگاه معامله محوری به نکاح در آن پرهیز شده باشد، شاید آن فهرستی باشد که ملاحظه می‌کنید

اگر کتاب النکاح این جوری چیده می‌شد شاید بهتر جواب سؤالات تربیتی را از کتاب النکاح دریافت کرد.

## مقدمه؛ معنا و حکمت نکاح

اگر می­شد مقدمه‌ای بر کتاب النکاح می­بود که معنای نکاح، حکمت نکاح، حکم اولیه نکاح و حکم ثانویه در آن مطرح می­شد.

## فصل اول؛ اختیار زوجین

اختیار زوجین، که المحرمات من النساء، الکفائیة فی النکاح، (کفو بودن) و بیان معنای کفو بودن، باقی مرجحات در اختیار همسر، این‌ها فصل اول را تشکیل می­داد

## فصل دوم؛ خواستگاری

حکم النظر للمختوبة، الخطبة علی الخطبة، خواستگاری روی خواستگاری چه حکمی دارد؟ الخطبة من المرأة، اینکه زن اقدام به خواستگاری بکند، احکام مربوط به این.

وقتی چینش متفاوت بشود و واقعی و موضوع محورتر بشود بعضی از چالش‌ها خود را نشان می­دهد، درحالی‌که در چینش قبلی نمی­شد این سؤالات مطرح بشود.

## فصل سوم؛ احکام عقد

اینجا مشخص است که ادبیات فقهی ما بسیار غنی هست

## فصل چهارم؛ احکام العُرس

احکام بعد از عقد، عروسی، ولیمه عروسی، احکام و آداب جماع،

## فصل پنجم؛ الحقوق الزوجیه

حقوق و وظایفی که زن و مرد نسبت به همدیگر دارند، حقوق مشترکی که فصل مهمی خواهد بود اگر آنجا فصل احکام العقد نصف کتاب النکاح را پوشش داده بود اگر بخواهیم در چینش جدید بخواهیم قضاوت بکنیم فصل مهمی از کتاب النکاح باید این فصل اخیر؛ حقوق الزوجیه باشد که «الحقوق المشترکه المساهرة و التوارث و حسن العشرة المغتسل الزوج، التمکین و الطاعه و القرار فی البیت، مغتسل الزوجه که از طرف مرد باید مطالبه بکند نفقه عدل، العشره بالمعروف و احکام نشوز و شقاق و مباحث بعدی. قاعدتاً بحث طلاق را از کتاب نکاح خارج می کنیم.

# موسوعة الاحکام الاولاد

اینجا یک مقدار راحت‌تر بشود جواب آن سؤالات را پیدا کرد، اما طبق چینش قبلی در احکام الاولاد باید پاسخ به سؤالات تربیتی مربوط به فرزندان در خانواده دنبال بشود.

در دوره اخیر فقهی که دوره موسوعه‌نگاری فقهی بوده است، یکی از پدیده‌های که در دوره معاصر فقه، فقه استدلالی شاهد آن هستیم این است که ما موسوعه‌های فقهی را در موضوعات خاص، مثل موضوع نکاح، موضوع فرزندان و امثال این‌ها شامل پدیدار شدن آن هستیم موسوعه بودن به این معناست که دیدگاه‌های مختلف فقها و صاحب‌نظران مختلف در آن منعکس هست و بحث استدلالی هست و متمرکز بر یک موضوع است یکی از این موسوعه‌ها، موسوعه احکام الاولاد و ادلتها هست، احکام مربوط به فرزند و تربیت فرزند اینجا شاید بهتر بشود دنبال کرد.

جزوه‌ای که شاید به عنوان جزء درسی بود با همین عنوان، احکام الاولاد و یا فقه الاولاد مبتنی بر این کتاب موسوعه احکام الاولاد تنظیم شده بود این فصول را در بردارد.

احکام الاستیلاد، احکام الحمل، احکام الولاده، احکام رضاع، احکام حضانت، احکام نفقه و احکام ولایة.

این‌ها مباحثی است که در موسوعه احکام الاولاد شاهد آن هستیم.

بزنگاه بحثی که پاسخ سؤالات ما را می‌شود آنجا دنبال کرد باب فصل الولایه علی الاولاد در کتاب احکام الاولاد و زیر فصل الولایة علی التربیة الصبی و الصبیه هست.

اگر چینش مطالب یک مقدار در مباحث فقهی متفاوت می‌شد و با شیوه‌ای و نظم دیگری به موضوعات نظر می‌شد جواب این سؤال و خیلی از سؤالات دیگر که در مورد تربیت فرزندان جای خودش را پیدا می‌کرد.

سؤال پرسیده‌اند این مباحث بیشتر حقوق نیست؟

جواب: نه سؤال من این بود که حدومرز وظایف عوامل و محیط‌های تربیتی تا کجاست؟ باید شرح وظایف همه مشخص کرد تا ببینید این اقدامی که کانون انجام داد پا در کفش خانه کرده است یا نه، برنامه‌ای را که مدرسه برای بچه ترتیب داده است، تربیت خانوادگی را تحت شعاع قرار می‌دهد یا تقویت می‌کند؟ حقوقی نیست.

بحث تعیین محدوده وظایف هرکدام از نهاد‌ها و عوامل دخیل در تربیت هست.

سروسامان جدیدی باید به مباحث داده بشود تا ما بتوانیم جواب روشنی از فقه در مورد سؤالات تربیتی دریافت بکنیم

پدیده فقهی جدیدی که این مدرسه پاییزه اتفاق افتاده است فقهای مضاف که برخی از حوزه‌ها به آن اشاره کردند از جمله فقه تربیتی هست.

این کتابی که الان احکام الاولاد از آن فهرست را ذکر کردم و خیلی مشخص عنوان برای پاسخ به سؤالات مربوط به احکام تربیت فرزند در آن درج شده است موضوع احکام الاولاد و ادلتها، مؤسسه فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام هست تا شش جلد چاپ شده است و مباحث مربوط به اولاد را با فهرستی که مشاهده کردید تقریباً این فهرست را دوباره با یک نظم و نسق تغییریافته‌ای از کتاب اینجا خدمتتان تقدیم کردند که می‌شود از مثل این موسوعه الاولاد یا موسوعه‌های شبیه این احکام تربیتی را به‌راحتی استخراج و استنباط کرد و پاسخ به سؤالات تربیتی را از نگاه فقه مطرح کرد.

فقه تربیتی که الان سر سفره آن نشسته‌ایم در این مدرسه پاییزه اساتید بزرگوار ابواب این فقه مضاف را خدمت شما تقدیم کردن مکلف و موظف به پاسخ دادن به این قبیل سؤالات تربیتی هستند.

اینکه موضوع حکم فقهی یکی از اقدامات تربیتی مربوط به مربی یا متربی یا مسائل پیرامونی مربوط فضای تربیتی امثال این‌ها باشد و محمول در این گزاره‌های یکی از احکام فقه ما باشد که رسالت فقه تربیتی باشد.

شاید جلسات قبل از این در مورد مهم‌ترین ادله‌ای که در محیط خانواده تعیین تکلیف می‌کند شما گفتگو داشته‌اید.

# سیره ائمه علیهم‌السلام در تربیت

ببینیم خود معصوم در فضای تربیت چه نحوه عملکردی داشته است و از سیره معصوم چه وظیفه و تکلیفی را می‌توان استنباط کرد.

استدلال به سیره بکنیم کاری که در فقه تربیتی انجام شده است و تلاش شده از استدلال به سیره حکم سؤالات تربیتی و پاسخ به سؤالات تربیتی را استخراج بکنیم.

اگر بخواهیم به سیره معصوم در رسیدگی داشتن معصوم علیه‌السلام در فرزند از این سیره که سیره درست و واقعی است استنباط حکم بکنیم منتها حکمی که می‌شود استفاده کرد اباحه تلاش برای رشد فرزندان هست اینکه شما برنامه‌ای را اقدام بکنید و تلاش بکنید که فرزند شما تربیت بشود و رشد پیدا بکند اگر مستند شما فقط سیره باشد آن فراتر از اباحه نخواهد بود.

چیز زیادی از این سیره دستگیر نشد اگر استناد به سیره متشرعه بشود، می‌بینید که سیره متشرعه دلالت بر رجحان تربیت دینی فرزندان دارد و اگر سیره عقلا را مستمسک قرار بدهیم چون عقلا کسی را که رسیدگی به فرزندان نمی‌کند و مسامحه کلی در امر تربیت فرزندان می‌کند مستحق ملامت و مذمت می‌دانند این سیره دلالت بر لزوم بر رسیدگی به فرزندان دارد.

هر سیره‌ای که تقریر و تبیین شد، می‌بینیم محدوده دلالتش متفاوت شد اما آن دایره مدلولی که از هر سیره استنباط شد می‌بینید که ضیق‌تر شد، عموم رسیدگی تربیتی از معصومین اگر بخواهد مستمسک باشد برای آن حکم استنباط بکنیم هر چند حکم اباحه هست ولی تلاش‌هایی که برای تربیت فرزند می‌شود این حکم برای آن نتیجه شده است.

سیره متشرعه دایره محدودتر و عقلا از آن هم محدود‌تر هست

شاید گفتگو شده است درباره سیره یا بعداً بحث خواهید کرد ما اگر بخواهیم در سلسله وظایف فقه تربیتی که متکفل پاسخ به سؤالات تربیتی است بخواهیم سراغ سیره برویم این نتایج عاید ما می‌شود

ما از سیره که فعل و اقدام خود معصوم هست فراتر برویم و بیان معصوم را که دلالت آن یک جوری سهل‌الوصول‌تر هست و مهم‌ترین بیانی که از معصوم برای استدلال و تعیین وظایف احکام تربیتی سراغ داریم بیان حق فرزند در رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام هست؛ «وَ أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ»[[1]](#footnote-1) این فراز حق فرزند در رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام هست چند بخش از این فراز و بیان امام سجاد علیه‌السلام دلالت والدان در تربیت دارد.

سؤال: فرموده‌اند سیره دلیل لبی است و فقط دلالت بر رجحان دارد و احکام خمسه از آن استنباط نمی‌شود

جواب: سیره اگر به قرائنی ملحوف باشد و با مکمل‌هایی و با شرایط خاصی فراتر از رجحان هم می‌شود از سیره استنباط کرد.

اما خود رسالة الحقوق دلیل لبی نیست و دلیل لفظی هست قابل اسناد‌گیری هست و امکان آن تنوع استدلال و استنباط اینجا بیشتر هست.

چند بخش از بیان امام سجاد علیه‌السلام در رساله الحقوق تعیین‌کننده وظیفه ما هستند «أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ» حسن الادب را امام سجاد علیه‌السلام وظیفه والدین گذاشتند «الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» را بر دوش والدین گذاشتند، «الْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ» را بر دوش والدین گذاشتند اینها همه وظایف تربیتی هستند که از این فراز رساله الحقوق قابل استفاده هستند و این وظایف به نحو الزام و وجوبی هست، چون این سه مورد حق فرزند هست و ما در قبال آنها مسئول هستیم و متولی اینها شده­ایم، «أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ» تو متولی یک سری اموری هستی از قبیل حسن ادب و دلالة علی ربه و معونة علی طاعته، این‌ها فرازهایی هستند که وظیفه الزامی ما را در قبال ما را در این محورها اثبات می‌کنند.

# بررسی سند رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام

در مورد رساله الحقوق بحث مهم به خلاف دلایل لفظی قرانی، بحث سندی را باید مطرح بکنیم بحث سندی رساله الحقوق جای دیگر باید مطرح بشود. ما پنج منبع برای رساله الحقوق داریم که تحف العقول، امالی، خصال و من لایحضر شیخ صدوق و مکارم الاخلاق مرحوم طبرسی.

از این چند منبع تحف، بدون سند هست روایاتش، مکارم الاخلاق سند مقطوعه دارد، سند امالی دقیقاً همان سند من لا یحضره الفقیه هست. پس ما دو سند برای روایت رساله الحقوق داریم که سند خصال و من لا یحضر هست که این دو سند متأسفانه اشکالاتی در سند هست و قابل احراز نیست

راهی که حضرت آیت‌الله اعرافی در کتاب تربیت فرزند با رویکرد فقهی می‌توان ملاحظه کنید از کتاب رجالی نجاشی سندی را برای رساله الحقوق ذکر می‌کنند و سند رساله الحقوق با اعتماد بر آن منبع تصحیح می‌شود و استناد آن به معصوم احراز می‌شود

بحث سندی رساله الحقوق بحث زمانی است که منابعی که لفظ و نقد روایات را در آن‌ها داریم سند تام ندارند کتاب رجالی که متن در آن ذکر نشده است و روایت در آن نیامده است آن کتاب سند صحیحی مشتمل هست تنها مشکل این است که متن روایت در آن نیامده است. و این نکته که نجاشی در مقام تعریف ابوحمزه ثمالی بوده است و در توضیح آن و معرفی کردن او به ما گفته است که ابوحمزه کسی است که رساله الحقوق را نقل کرده است و این نشان می‌دهد که رساله الحقوق در عرف اصحاب معروف‌تر از ابوحمزه بوده است که نجاشی ابوحمزه را به رساله الحقوق معرفی می‌کند و همین نکته بزنگاه بحث خواهد بود و سند تصحیح شده و سند قابل اعتمادی که در کتاب رجالی نجاشی هست اعتبار بخش به نقد مشهور رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام می‌شود. سند رساله الحقوق با این توضیح مشکلش حل می‌شود و قابل استناد و استدلال می‌شود.

ما در قبال فرزند در رساله الحقوق وظایفی که ملاحظه کردید بر عهده ما هست.

# قاعده وقایه

این قاعده ظاهراً مفصل بحث شده است **﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَةُ عَلَيْها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعْصُونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُون﴾**‏[[2]](#footnote-2) مخاطب پدران و مادران هستند تکلیف، تکلیف وجوبی هست مکلف به وقایه هست، معنای وقایه در مورد فرزندان این است که زمینه‌ای را فراهم بکنیم، شرایطی را فراهم بکنیم، شرایط انگیزشی، شرایط شناختی، شرایط رفتاری که متربیان ما که اینجا فرزندان ما هستند ملتزم به واجبات الهی و پرهیز‌کننده از محرمات الهی بشوند.

امتثال این دستور الهی به این خواهد بود که زمینه‌های التزام آن‌ها به احکام الهی را فراهم بکنیم.

نکته آخر اینکه از لفظ «اهلیکم» در این آیه شریفه متوجه می‌شویم که وظیفه وقایه و کمک به تربیت و در مسیر التزام به دستورات الهی قرار دادن مخصوصاً به پدر یا مادر نسبت به فرزندان نیست، همه مصادیق اهل، که اهل معادل خانواده است همه مصادیق اهل نسبت به همدیگر وظیفه وقایه را دارند. **﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ﴾** خانواده پدری من اهل من هستند و خانواده خودم که من پدر فرزندانم هستم اهل هستند من هم نسبت به فرزندان وظیفه دارم و هم نسبت به پدر و مادر، برادر و خواهر نسبت به هم اهلیکم اطلاق می‌شوند، زن و شوهر نسبت به هم اهلیکم اطلاق می‌شوند

پس اعضای خانواده طبق این آیه شریفه نسبت به همدیگر وقایه و زمینه التزام ایجاد کردن هستند و این وظیفه را باید امتثال کنند.

این آیه شریفه به همه مکلفان، پدر و مادران وظیفه حفاظتی و صیانتی را در قبال فرزندان و فرزندان نسبت به والدین به دوش آن‌ها گذاشته است که آن‌ها را وادار به انجام واجبات و پرهیز از محرمات کنند.

در مورد تربیت اگر از فقه می‌خواستیم پاسخ بگیریم کتاب النکاح بخش کوچکی از آن با چینش فعلی پاسخگو بود و در نظم جدید در آن الحقوق، العسریه، شاید اسم آن باب را بتوان این گذاشت که حقوق و تکالیفی که اعضای خانواده نسبت به هم دارند این نظم در چینش جدید محقق نشده است این پیشنهادی است.

در احکام الاولاد موسوعه‌های فقهی جدید که بر یک موضوع خاص متمرکز هستند مثل موسوعه الاحکام حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی که مرکز فقهی ایشان این کتاب را منتشر کردند دیدید مباحث مربوط به اولاد به صورت متمرکزتر بحث شده بود ولی باز پاسخ‌دهنده سؤال خاص ما یک بخش محدود این کتاب بود.

فقه تربیت با استناد به ادله‌ای که سه تا از عام‌ترین ادله‌ی مربوط به وظیفه خانواده را ملاحظه کردید؛ سیره تربیتی، سیره تربیتی معصوم به عنوان والد در خانواده، رسالة الحقوق، فراز حق فرزند در رسالة الحقوق، و آیه وقایه.

با استناد به این قبیل ادله فقه تربیتی می‌آید وظایف و تکالیفی را که مربیان نسبت به متربیان در محیط خانواده که محل بحث ما هست مشخص می‌کند. و این پاسخ را در ساحت‌های مختلف عرضه می‌کند.

ساحت‌های تربیتی را اگر بخواهیم مرور کنیم که فقه تربیت باید پوشش‌دهنده آن باشد؛

ساحت تربیت جسمی، ساحت تربیت ارادی، عقلانی و عاطفی، این نزدیک‌ترین ساحت‌ها تربیتی به بعد جسمانی هست، ساحت تربیت اجتماعی علمی و ساحت تربیتی جنسی لایه بعدی تأثیر‌گذاری والدین و وظیفه آن‌ها نسبت به فرزندان از نگاه فقه هست.

و آخرین مرحله متعالی‌ترین ابعاد تربیت، تربیت عبادی و تربیت اعتقادی و تربیت اخلاقی که اسم آن‌ها را تربیت دینی می‌گذاریم.

این‌ها ساحت‌هایی هستند که فقه تربیت پوشش‌دهنده آن‌ها هست و بعضی از این ساحت‌ها در جلسات پیشین اساتید مطالبی را گفته‌اند و شما دریافت داشته‌اید.

# نتیجه یک روایت

روایتی را که عرض کردم نتیجه پایانی از آن بگیرم

فقه تربیت وظایف تربیتی در ساحت‌های مختلف بر عهده خانواده می‌گذارد وقتی این‌ها به تفصیل بیان بشود می‌بینید که خانواده باید در تربیت صدرنشین بشود مدرسه بازوی تربیتی و کمک‌کار خانواده بشود و خانواده‌ای که اینجا می‌گویم، خانواده معیار هست نه آن خانواده‌ای که غیردینی و غیرمذهبی هست که باید کسی دیگری برای آن تصمیم بگیرد و مدرسه اختیار بیشتری داشته باشد. و کانون اختیار بیشتری داشته باشد. منظور خانواده معیار اسلامی سیادت و اولویت آن در امر تربیت طبق نگاه فقه تربیتی باید حفظ بشود

این را از تک‌تک احکام و مسائلی که در ساحت‌های تربیتی قبلی ملاحظه کردید فقه تربیتی برای ما استنباط و بیان می‌کند. در ابتدای عرایضم روایتی را از امیرالمؤمنین عرض کردم که «فِي حَمْلِ عِبَادِ اللَّهِ عَلَى أَحْكَامِ اللَّه**»**[[3]](#footnote-3) دو ثمره بود نه فی ابلاغ احکام الله لعباد الله بین ابلاغ و حمل تفاوت هست حمل به معنای واداشتن، یعنی التزام به آن‌ها فراهم کردن بود اگر رسالت فقه و فقیه را فقط بیان و افتاء در مقابل استفتاء ندانیم و رسالت آن را بخصوص بعد از استقرار حاکمیت دینی زمینه‌سازی برای حمل عباد الله برای احکام الله بدانیم می‌بینید که فقه وظایف و رسالتش فرا‌تر از افتاء در برابر استفتائات خواهد بود و ارائه تحلیل‌های در مقام بحث ما تربیتی برای احکام که زمینه التزام را در مخاطبان فراهم بکند ارائه نظام تربیتی با نگاه به احکام و فتوای تربیتی استخراج می‌شود این نظام، این از وظایف فقیه خواهد بود.

راه‌کار، پیشنهاد دادن برای امتثال احکام الهی این که زمینه‌ای را فراهم بکند که ساختار اجتماعی فراهم بشود با پیشنهاد فقیه مبتنی بر آن استنباط‌ها و استدلال‌های فقهی که خانواده رسالت تربیتی‌اش به نحو احسن و اکمل انجام بشود و سیادت و اولویتش در تربیت حفظ بشود.

جای خوشبختی هست که در این روز‌ها این اتفاق میمون و مبارک افتاد کانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت به تصویب رسید.

یکی از مصادیق فراهم کردن زمینه امتثال احکام دینی در محیط خانواده است البته بخش کوچکی از رسالت خانواده در این قانون رسالت قانونی‌اش فراهم شده است. رسالت خانواده، کیان خانواده، تکون و تحکیم خانواده و جوان ماندن جمعیت و فرزندآوری در این خانواده مورد حمایت قرار گرفته است.

اگر فهرست مباحثی که در مورد فرزند فقه باید مطرح بکند را بررسی بکنید احکام الاستیلاد اولین قدم رسیدگی به فرزندان بود، احکام آموزش‌وپرورش، تربیتشان، ضعف و موضع هستند و محیط سالم تربیتی برای آن‌ها فراهم کردن و امثال این‌ها رسالت‌های دیگری هست که در قبال فرزند هست و هنوز زیرساخت‌های قانونی لازم برای آن‌ها فراهم نشده است.

ما هنوز درزمینهٔ فراهم آوردن زیرساخت‌های قانونی و ساختار‌های اجتماعی که حمایت بکنند خانواده را در ایفای رسالتش خیلی کم کار کرده‌ایم.

جواب ارتکازی که در ذهن من و شما هست این است که خانواده هست که متولی اول و آخر تربیت فرزند است و هر کسی دیگر که می‌خواهد نقش ایفا بکند با این سیاست که خانواده را توانمند بکند در تربیت با این سیاست در این عرصه قدم بگذارد محوریت خانواده باید حفظ بشود.

چه کانون‌های غیررسمی و چه نهاد‌های رسمی تعلیم و تربیتی اگر بخواهند با التزام به تعالیم دینی و دستورات فقهی و در سایه فقه بخواهند پیش بروند و نقش ایفا بکنند لازم است با این خط‌مشی کلی این کار را انجام بدهند تربیت در آن مسیر و کانال که باید پیش برود و به بیراهه نرود.

اگر تربیت در خانواده به عنوان کانون اصلی مورد توجه نباشد و مورد بی‌مهری قرار بگیرد و این وظیفه به جای دیگر محول بشود خیلی از توانمندی‌ها و مزیت‌های خانواده از بین می‌رود آن هزینه کلان تربیت که در خانواده می‌شود برای بچه‌ها به ارث گذاشت و باقی گذاشت در صورت کم‌رنگ شدن خانواده و ایفای نقش تربیتی خانواده می‌بینید از دست می‌رود و اندوخته تربیتی و داشته‌های تربیتی فرزندان خیلی کم و کم رونق می‌شود.

# پاسخ به سؤالات

سؤال: خانواده‌هایی که دنبال تربیت غربی هستند مشکل آن فرزندان را چه جوری باید حل کرد؟ آنجا نباید تصمیم گرفته بشود؟

سؤال: آیا عدول مؤمنین نسبت به فرزندی که ناصحیح تربیت می‌شود وظیفه‌ای دارند؟ هیمنه خانواده آن‌ها به‌گونه‌ای است که دست ما نمی‌رسد.

جواب: البته اگر رسید و شرایطی فراهم شد آیه وقایه را وقتی جمع‌بندی را ملاحظه فرمودید **﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلیكُمْ ناراً﴾** این وظیفه الزامی و وجوبی به عهده اعضای خانواده هست به نحو عینی، یعنی خانواده باید این را امتثال بکند اما کسی خارج ا محیط خانواده این را به عهده گرفت مثل روحانی و امام جماعت، و این رسالت را نسبت به آن فرزند انجام داد، آن وظیفه از خانواده ساقط است. اگر عدول مؤمنین و مربیان دست رسی به فرزندی پیدا بکنند این « اگر » معنایش این است که خانواده این اجازه را بدهد.

سؤال: نقش جامعه در تربیت

جواب: عموم جامعه نسبت به هم وظیفه دارند ولی اگر آن زمانی که این نکته را توضیح می‌دادم **﴿وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ﴾**[[4]](#footnote-4) وظیفه ای که باید ایفا بکنند چیست؟ **﴿يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَر﴾**[[5]](#footnote-5) اجمالاً ساحت‌های تربیتی در محیط خانواده، من مقید به چهاردیواری خانواده این بحث را می‌کنم خواهید دید که تأثیر‌گذاری خانواده بیشتر از عوامل دیگر است عدول مؤمنین نسبت به همدیگر وظیفه ملایم و رقیق دارند هر چند این وظیفه ملایم و رقیق اگر مداوم باشد آن روایت که در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر است و احکام الهی با آن قوام پیدا می‌کند این امر و نهی در محیط خانواده بسیار آکد و قوی‌تر و مؤثرتر هست. امر و نهی خاص و فراتر از امر و نهی خاص، اگر در اجتماع محدود به لسان باشد در محیط خانواده پدر و مادر حداقل نسبت به فرزند فراتر از لسان اختیار دارند چون ولی او هستند می‌توانند وارد مراحل دیگر نسبت تربیت فرزند بشوند.

در جلسه آینده وظیفه‌مندی خانواده در هر ساحتی تربیتی فرزند را ترسیم می‌کنم تا وظیفه‌مندی خانواده نسبت به فرزند با یک شمای کلی و گذرا به ترسیم در بیاید و ملاحظه بشود.

سؤال: در مورد مدارس اسلامی گفته‌اند

جواب: بله مدارس اسلامی الگوی خیلی مترقی و به‌روز آن مدارس مسجد محور فعلی هست که آن دوز تربیتی این‌ها خیلی بالاتر هست البته إن قلت‌هایی هست. مدارس مسجد محور کانون‌هایی هستند که بسیاری از امتیازات کانون‌های غیررسمی تربیتی را دارند و از امتیازات قانونی مدارس رسمی تعلیم و تربیت باید بهره‌مند باشند این « باید » که می‌گویم چون متأسفانه حداقل دولت قبل این اجازه را به مدارس قبل نداد اما مدارس مورد قبول واقع شده از طرف آموزش‌وپرورش ورود به بعضی از عرصه‌های تعلیم و تربیتی داشتند و نتایج خوبی را عائد کرده بودند.

سؤال: نگاه ما به مدارس و نهاد رقیب تربیت نگاه منفی و سلبی نیست.

دیروز جلسه‌ای بود بزرگواری می‌گفت مثلاً فلان ریاضی‌دان مشهور نظرش این است که؛ -این یک گزاره خام هست و نمی‌خواهم بر اساس آن صحبت کنم یا تأیید و رد کنم چون صحبت از مدارس اسلامی و مدارس مسجد محور شد – خود او قائل هستند که بچه‌ها تا سن چهارده پانزده سالگی نباید مسائل ریاضی را به آن‌ها ارائه داد چون بعضی باور‌های غلط و مشکلات شناختی در آن‌ها شکل می‌گیرد این هم خود آموزش‌وپرورش رسمی که الان وحی منزل تلقی می‌شود و تخطی از آن جنایت غیر اغماض تلقی می‌شود سراغ صاحب‌نظران مربوط به آن می‌شود نظرات متفاوتی دارند.

1. - رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره تحریم، آیه 6 [↑](#footnote-ref-2)
3. - تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص: 341 [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره توبه، آیه 71 [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره توبه، آیه 71 [↑](#footnote-ref-5)